



Quarterly.risstudies.org

Article history:
Received 18 October 2024
Revised 12 November 2024
Accepted 22 February 2025
Published online 15 May 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 28, Issue 1, pp 7-33



P-ISSN: 1735-0272
E-ISSN: 2980-910X

The Security Guidelines in the Tradition of Iranshahr Political Advice Literature: A Case Study of Saadi's Bustan

Mostafa Khaleghpour^{1*}, Reza Ayaseh²

1. Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
2. Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Corresponding Author Email Address: khaleghpour901@atu.ac.ir

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Khaleghpour, M. & Ayaseh, R. (2025). The Security Guidelines in the Tradition of Iranshahr Political Advice Literature: A Case Study of Saadi's Bustan. *Strategic Studies Quarterly*, 28(1), 7-33. doi: 10.22034/ssq.2025.517311.4268



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

This study explores the concept of security within the tradition of Iranian political advice literature, with a particular focus on Saadi's Bustan. Persian literature played an important role in shaping a form of political thought where writers sought to caution rulers by appealing to ethical principles and the best interests of both rulers and the public. Among these, Saadi's Bustan stands out as a text that offers a distinctive political perspective, representing a shift within the tradition of Iranian political advice literature. Saadi's view is grounded in a unique understanding of human nature. He locates the legitimacy and grandeur of political power in the people, urging rulers to prioritize the public good and protect their subjects.

Due to Saadi's distinctive anthropology and his different view of the basis of political legitimacy, his writings present a different conception of security—one that can be called "human security" or "people-centered security."

Building on this new perspective on politics and legitimacy, and drawing on Saadi's unique ideas about human nature, this paper seeks to identify the security guidelines embedded in Bustan.

Methodology

This study uses a qualitative approach with thematic analysis. We employ a three-stage coding process-open coding, axial coding, and selective coding-to carefully examine the text of Bustan and identify the security-related themes that are woven throughout.

Results

Saadi's understanding of security is deeply rooted in his political anthropology. While he recognizes that political power in Iran was traditionally pastoral, absolute, and despotic, he introduces a significant shift in Iranian political advice literature by grounding political legitimacy in the people rather than in the ruler alone.

For Saadi, a secure society is the natural outcome of just and fair governance. Security depends on rulers exercising power through a framework of values and concepts that prioritize justice. The ruler must understand that his power comes from the people and must use it to create a just and secure society. He must take into account the needs of different social classes, seek counsel from elders and youth alike, respect both warriors and scholars, rely on knowledge and wisdom, employ capable individuals, act wisely against enemies, punish those who threaten public safety, and support foreigners, merchants, and traders to foster a positive image of the country internationally.

From Saadi's perspective, a secure society is the direct result of such responsible and just governance. Security is the ruler's responsibility, and the people remain the primary security referent object.

Conclusion

In Bustan, security emerges as a complex, multi-dimensional concept fundamentally shaped by the ruler's approach to governance. If rulers govern based on divine will, immutable natural laws, and the transient nature of human life-while upholding principles like justice, fairness, wisdom, tolerance, and public welfare-they can ensure social security and peace. Saadi insists that security and peace are unattainable without these elements.

Since Saadi lived in an era when monarchs held absolute and unchecked power, he used ideas like fatalism, immutable natural laws, and human mortality to remind rulers that political power is a tool meant to protect and serve the people-not a personal, divine right or an inherited privilege. Political power, in this view, belongs collectively to society and must be used for the common good.

This understanding of political power, where legitimacy depends on the consent of the governed, anticipates key ideas of modern political thought and remains highly relevant today. In a time when states dominate politics and security is mainly defined in national terms, the concept of human security-which can be traced back to classical texts like Bustan-offers a valuable alternative.

By shifting the focus of security to ordinary people-once seen as "subjects" but now acknowledged as citizens-and basing rulers' legitimacy on their consent and support, this approach puts the safety and well-being of the people at the core of policymaking. This shift in political legitimacy-from divine right to popular approval-places the security and comfort of citizens at the very center of governance.

Keywords: Saadi's Bustan; Thematic Analysis; Human Security; Political Legitimacy; Despotism.

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources

This research received no external funding.



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۱۵ مهر ۱۴۰۳

اصلاح شده در تاریخ ۲۲ آبان ۱۴۰۳

پذیرفته شده در تاریخ ۴ اسفند ۱۴۰۳

منتشر شده در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۸، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، پیاپی ۱۰۷، صفحه ۷-۳۳



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷

شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

دلالت‌های امر امنیتی در سنت اندرزنامه‌نویسی ایران‌شهری؛ مطالعه موردی بوستان سعدی

مصطفی خالق‌پور^(*)، رضا ایاسه^(*)

۱. گروه اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: khaleghpoor901@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله پژوهشی اصلی نحوه استناد به این مقاله: خالق‌پور، مصطفی و ایاسه، رضا. (۱۴۰۴). دلالت‌های امر امنیتی در سنت اندرزنامه‌نویسی ایران‌شهری؛ مطالعه موردی بوستان سعدی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۸ (۱)، ۷-۳۳. doi: 10.22034/ssq.2025.517311.4268	مقاله حاضر بر آن است دلالت‌های امر امنیتی را در کتاب بوستان سعدی بررسی کند. روش به‌کار گرفته‌شده روش تحلیل مضمون و چارچوب نظری بحث، رویکرد «امنیت انسانی» است. استدلال اصلی مقاله این است که اگرچه در کتاب بوستان به‌طور صریح و مستقیم به مفهوم امنیت پرداخته نشده است، اما با مراجعه به بافتار و متن بوستان و ناظر به هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حاکم بر سنت اندیشه سیاسی در ایران، می‌توان نشان داد که در متن کتاب، مقوله امنیت در شبکه‌ای از مفاهیم هم‌بسته قابل‌فهم است. امنیت در این شبکه مفهومی پیامد و نتیجه شیوه حکمرانی زمامداران است که درنهایت جامعه امن و مبتنی بر عدل را ممکن می‌کند. مضاف بر آن استدلال شد که از دیدگاه سعدی، امنیت یا رعایت اصولی چون عدالت، اخلاق، انصاف، اعتدال و رعایت مصالح فردی و جمعی از جانب حاکمان در رابطه با مردم تأمین می‌شود؛ موضوعی که در تداوم سنت اندرزنامه‌ای ایران‌شهری فهم‌پذیر است. ناظر به سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی ایرانی که مبتنی بر چشم‌اندازی اخلاقی به حوزه‌های سیاسی است، تأویل و تفسیر نظام فکری سعدی ما را به رویکردی انسانی از مقوله‌های سیاسی و اجتماعی چون امنیت نزدیک می‌کند. در نگاه سعدی حکومت کارگزار تأمین امنیت مردم است. واژگان کلیدی: بوستان، تحلیل مضمون، امنیت انسانی، مشروعیت حاکمان، استبداد.



© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی‌رایت) این مقاله

متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله

به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی

CC BY 4.0 صورت گرفته است.

مقدمه

ادب فارسی از دیرباز محمل و مأمنی برای بسط و عرضه اندیشه‌ها و نظریه‌هایی در خصوص امر سیاسی و امر اجتماعی بوده است؛ اگرچه نه در قالب دستگاه فکری و فلسفی منسجم، در سنت قدمایی که امر سیاسی و نهادهای سیاسی و امنیتی به شکل امروزی صورت‌بندی نشده بودند و اعمال و کنترل قدرت سیاسی در غیاب نهادهای سیاسی مدرن و فقدان دستگاه فکری و فلسفی منسجم حالت خودکامه و استبدادی داشت، ادب فارسی به‌طور عام و قالب اندرزنامه‌نویسی سیاسی به‌طور خاص محمل تکوین گونه‌ای از اندیشه سیاسی بود که مؤلفان و روایان این سنخ از اندیشه سیاسی تلاش می‌کردند قدرت حاکم را در نوشته‌های خود به جهت رعایت پاره‌ای از اصول اخلاقی و رعایت مصلحت قدرت حاکم یا مصلحت عامه انذار و تحذیر دهند.

تا قبل از سعدی و در سنت اندرزنامه‌نویسی ایران‌شهری همچون سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و آثار کسانی چون ابن‌مقفع، سیاست‌نامه‌نویسان حاکمان و زمامداران را در نوشته‌های خود راهنمایی و مشورت می‌دادند که برای کسب و حفظ قدرت خود چه تکنیک‌ها و استراتژی‌های را به کار بگیرند در این بین، نوشته‌های سعدی و به‌طور خاص کتاب بوستان نیز از جمله متونی است که حامل دیدگاه و نظرگاه‌هایی درباره سیاست و حکومت است که می‌توان از آن تحت عنوانی چرخش پارادایمیک در سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی ایران یاد کرد. سعدی مبتنی بر نوع انسان‌شناسی متفاوت اعتبار و شوکت قدرت سیاسی را به مردم ارجاع داد و از همین رو حاکمان و زمامداران را انذار می‌داد که در شیوه زمامداری و حکمرانی خود مصلحت عامه را کانون قرار دهند و «حفظ رعیت نگه دارند».

توضیح بالا ما را به مسئله پژوهش حاضر راه می‌برد. مبتنی بر انسان‌شناسی متفاوت سعدی و جابه‌جایی در خاستگاه مشروعیت و مقبولیت زمامداران و حاکمان در نوشته‌های وی، فهم متفاوتی از امر امنیتی در آثار و نوشته‌های سعدی قابل فهم است که می‌توان از آن تحت عنوان «امنیت انسانی» یا «امنیت مردم‌محور» یاد کرد. در سنت کلاسیک اندرزنامه‌نویسی سیاسی که به جهت کسب و حفظ قدرت توسط پادشاه و شخص حاکم ارائه می‌شد، امنیت وجهی حاکم‌محور یا به تعبیر امروزی دولت‌محور داشت. با چرخش پارادایمیک در سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در آثار و نوشته‌های سعدی، فهم از امر امنیتی نیز صورت متفاوتی به

خود گرفت و پدیدارشدن مفاهیمی چون مصلحت عامه و رعایت حال رعیت، فهم از امر امنیتی را نیز دستخوش تغییر کرد.

مبتنی بر این تغییر دیدگاه نسبت به امر سیاسی و جابه‌جایی در خاستگاه مشروعیت و مقبولیت شخص حاکم و نیز با اتکای بر نوعی انسان‌شناسی جدید که خاستگاه و تبار تکوین اولیه آن را می‌توان در آرا و افکار سعدی ردیابی کرد، در این مقاله تلاش می‌کنیم تا دلالت‌های امر امنیتی را در کتاب بوستان سعدی ایضاح کنیم. برای این منظور از نوعی روش‌شناسی تفسیری با مؤلفه‌هایی چون «گشودگی معنا» و «ناخودآگاه متن»، چشم‌انداز نظری «امنیت انسانی» و نیز روش کیفی تحلیل مضمون بهره‌جسته‌ایم تا به پرسش‌هایی پیرامون امر امنیتی در بوستان سعدی پاسخ دهیم. پرسش‌های چون امر امنیتی در بوستان سعدی چه دلالت‌هایی دارد یا امنیت چیست و معنا و مفهوم آن کدام است؟ غایت امر امنیتی چه چیزی یا چه کسی است و امنیت چه کسانی باید تأمین شود؟ و درنهایت کارگزار تأمین امنیت کیست و آن را به چه شیوه و روشی تأمین می‌کند؟

معرفی اجمالی کتاب بوستان در اینجا بی‌مناسبت نیست. بوستان شامل ده فصل است. فصل اول بوستان درباره عدالت، انصاف و اداره حکومت است. فصل دوم بوستان در مورد احسان و نیکی است. فصل سوم بر اساس عشق است و به قول سعدی: «هنگامی که عشق آمد، دیگر از عقل سخن مکن». فصل چهارم بوستان بر فروتنی تمرکز دارد. فصل پنجم بوستان در باب رضاست، فصل ششم در باب قناعت صحبت می‌کند. فصل هفتم بوستان در مورد تعلیم و تربیت است. فصل هشتم بر اساس تشکر است. سعدی مردی سپاسگزار است که قدر داشته‌هایش را می‌داند. فصل نهم در مورد توبه است. سعدی در این فصل دیدگاه جدیدی را به خوانندگان ارائه می‌دهد، از افرادی که اشتباه می‌کنند و سپس تقصیر را به گردن دیگران می‌اندازند و برای کارهای نادرست خود را بهانه می‌آورند، بحث می‌کند. بالاخره فصل دهم بوستان درباره نماز است. از آنجاکه سعدی غالب دیدگاه‌های خود درباره شیوه زمامداری و حکمرانی را در فصل اول بوستان عرضه کرده است، این پژوهش نیز بیشتر تمرکز خود را بر باب اول بوستان قرار داده است؛ به اقتضا و هر جا ضرورت داشت، به دیگر بخش‌های بوستان هم مراجعه می‌کنیم.

در باب ضرورت پژوهش‌هایی از این سنخ باید گفت که انجام‌دادن این پژوهش از چند جهت ضرورت دارد. نخست اینکه در ادبیات پژوهشی ما، نگاه بیرونی و غیرتاریخی به موضوعات و مفاهیم است، نگاهی که مفاهیم را نه در تداوم سنت و از منظری درونی بلکه در گسست با سنت و از منظری بیرونی تحلیل می‌کند. اینجا تلاش می‌کنیم با استدلال نشان دهیم که سنت

فکری و ادبی ایرانی - اسلامی در ارتباط با مفاهیم جدید علوم انسانی نیز امکان‌هایی برای خوانش و تأویل دارد. دوم اینکه چنین پژوهش‌هایی امکان انباشت و تداوم دانشی را ممکن می‌کنند. وقتی موضوعات و مفاهیم در پیوستاری تاریخی دیده شوند، پشتوانه تاریخی پیدا می‌کنند و جنبه‌ها و ابعاد غایب و نادیده‌شده آن‌ها حاضر و آشکار می‌شود. سوم اینکه از منظر سیاست عملی نیز انجام چنین کارهایی ضرورت دارد؛ ازاین‌جهت که سنت و تاریخ در ناخودآگاه هر جامعه‌ای جریان دارد و سیاست‌های مبتنی بر سنت و تاریخ خود برای هر جامعه‌ای آشنا تر و پذیرفتنی‌تر است.

الف) روش پژوهش

مبحث روش خود در دو بخش صورت‌بندی می‌شود. در بخش نخست اشاره‌ای به روش‌شناسی کار می‌شود. در بخش دوم نیز روش تحقیق به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود. روش‌شناسی پژوهش حاضر بر پیش‌فرض گشودگی و بازبودن متن به روی تفسیرها و معانی مختلف استوار است. بر این اساس، اگر هر کتاب و اثری را نوعی متن قلمداد کنیم، می‌توان گفت هر متن و هر فصل و هر باب خود نوعی روایت است. هر متن، با وجود قصد و نیت و آگاهی مؤلف آن، از زیرساختی ایدئولوژیک و فکری برخوردار است و در دل سلسله به‌هم‌پیوسته‌ای از روابط اجتماعی، گمان‌های تاریخی و مفروضات فلسفی صورت‌بندی می‌شود. چنین ساخت‌های گاه با قدرت مسلط در منازعه و ستیزند و گاه نیز هدفی جز حفظ وضع موجود و تثبیت قدرت مستقر ندارند (میلانی، ۱۳۸۷). چنانچه در سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی ایرانی نیز می‌توان این را مشاهده کرد. سیاست‌نامه‌های کلاسیک مانند سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک بیشتر متنی است در جهت ارائه تکنیک‌های عملی برای کسب و حفظ قدرت. درحالی‌که در اندرزنامه‌نویسی سعدی ما می‌توانیم عکس این را مشاهده کنیم و سیاست‌نامه‌نویسی بیشتر ابزاری است برای انداز و تحذیر حاکمان در جهت التفات به مصلحت عامه و رعایت حال مردم و زیردستان.

اندیشه مستتر در هر متن که به تعبیر جیمسون می‌توان از آن تحت عنوان «ناخودآگاه متن» یاد کرد (Jameson, 1979)، ضرورتاً مشابه و مساوی با اندیشه مؤلف متن نیست و چه‌بسا مؤلفی واحد در متون گوناگون اندیشه‌های گاه متضاد و متناقض را به‌عنوان مواد و مصالح کار خود به کار می‌گیرد. چنانچه درباره سعدی نیز چنین چیزی مشهود است و برخی پژوهشگران بدون التفات به این اصل روش‌شناختی، این تضاد و تناقض را به دوگانگی و چندپارگی شخصیت

مؤلف ربط می‌دهند؛ در صورتی که گشودگی و انعطاف متن در برابر خوانش‌های متنوع، یک اصل روش‌شناختی است.

با این توضیح، می‌توان ادامه داد که کلمات هیچ‌کدام به صورت مجرد معنای مطلق ندارند، بلکه معنای آن‌ها از یک سو طبق دو اصل زبان‌شناختی جانشینی و هم‌نشینی در بافت روایت و از سوی دیگر در ذهنیت خواننده‌ای که به سراغ آن متن و عبارات آن می‌رود، صورت می‌بندد. در نتیجه خواندن و تفسیر متن کاری انفعالی و غیرخلاق نیست و هر خواننده نقشی اساسی در تعیین معنای متن بازی می‌کند. به همین خاطر، هر نسلی آثار ماندگاری چون بوستان و گلستان را از نو می‌خواند و در آن بازاندیشی می‌کنند و معانی این‌گونه متون، همچون پدیده‌هایی تاریخی، پیوسته در تغییر و تحول‌اند (میلانی، ۱۳۸۷).

البته این بدان معنی نیست که از هر متنی می‌توان بی‌نهایت تفسیر و خوانش عرضه کرد یا اینکه به نسبی‌گرایی منجر شود؛ به این معنی که همه تفسیرها ارزش یکسانی دارند و هیچ متنی تفسیر غالب و مسلطی ندارد. این موضوع را می‌توان به پیروی از امبرتو اکو ذیل عنوان «محدودیت‌های تفسیر» (Eco, 1990)، از آنجاکه برخی گشودگی و بازبودن معنای متن را ذهنی و غیرعلمی می‌دانند و بعضی هم بر این باورند که هر تفسیر برای هر متنی رواست، باید گفت که اصل تفسیر و خواندن حدومرزی دارد و همه تفسیرها به یک اندازه ارزش علمی ندارند، بلکه هر متنی مایه‌های برآینده و حاکم^۱ دارد (Jacobson, 1971).

در اینجا نیز مباحث فوق مبنای منظر روشی پژوهش حاضر را قوام می‌بخشند. کتاب بوستان، به مثابه متن، نه یک معنای واحد و مطلق دارد و نه می‌توان بی‌نهایت تفسیر از آن عرضه کرد که همه ارزش یکسانی داشته باشند. درهم‌آمیزی و تلاقی افق مؤلف، متن و بافتار متن با افق خواننده امکانی را فراهم می‌کند که به رغم نیت و قصد مؤلف، خوانش‌ها و تفسیرهای جدید و نو از متن را پدیدار می‌کند. دلالت‌های امر امنیتی را نیز می‌توان بر اساس همین اصل روش‌شناختی در آثاری همچون بوستان تفسیر کرد. اگرچه می‌توان گفت که سعدی در بوستان به طور صریح و آگاهانه به مفهوم امنیت نپرداخته است، با به‌کارگیری ابزارهای روشی مناسب که امکان دسترسی به لایه‌های پنهان‌تر و ناخودآگاه متن را ممکن می‌کنند، می‌توان تفسیری از آثاری چون بوستان عرضه کرد که از دلالت‌های امنیتی برخوردار باشد.

1. Dominant

پژوهش حاضر با روش کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون به پیش می‌رود. تحلیل مضمون ازجمله روش‌های کیفی است که برای تحلیل داده‌های متنی مناسب است. در اینجا تلاش می‌شود تا با استفاده از تکنیک کدگذاری سه‌مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری مقوله‌ای و مقوله‌کانونی و نهایی، متن بوستان سعدی از منظر دلالت‌های امر امنیتی بازخوانی و دلالت‌های امر امنیتی تعبیه‌شده در متن بوستان پدیدار و آشکار شوند.

ب) پیشینه پژوهش

در بحث از پیشینه پژوهش، پژوهش‌هایی موردتوجه قرار گرفتند که اندیشه‌های سعدی درباره سیاست و حکومت را کانون بحث خود قرار دادند. در این زمینه دو دسته از پژوهش‌ها از هم قابل تفکیک است. نخست پژوهش‌هایی که بیشتر بر وجوه زبانی و ادبی آثار سعدی متمرکز هستند و وجه فکری و اندیشه‌ای آن‌ها را کم‌رنگ یا سست جلوه می‌دهند. پژوهش‌های علی دشتی و همایون کاتوزیان از این دسته هستند. دوم پژوهش‌هایی که بیشتر بر وجه اندیشه‌ای آثار سعدی در باب سیاست و حکومت متمرکز هستند. سید جواد طباطبائی و عباس میلانی دو شخصیت برجسته این دسته از پژوهشگران هستند. ابتدا به پژوهش‌های دسته دوم و سپس به کارهای گروه نخست می‌پردازیم.

سید جواد طباطبایی (۱۳۹۵) اندیشه‌های سعدی را ذیل عنوان مفهوم «انقلاب غزل» صورت‌بندی می‌کند. او نیز قائل به این است که سعدی دستگاه فکری و فلسفی منسجمی ندارد، اما با مینا قراردادن شرایط امکان، بر این نکته تأکید می‌کند که سعدی در محدوده امکان‌های عینی و فکری زمانه خود، به لحاظ اندیشه‌ای تحولی اساسی در سنت ادب فارسی ایجاد کرده است. به باور او سعدی از سیاست‌نامه‌نویسی کهن و رایج ادب فارسی فاصله می‌گیرد و با جداکردن سیاست‌نامه‌نویسی از مبنای نظری اخلاق سنتی ایران، آن را در جاذبه میدانی قرار می‌دهد که منطق ذهنیت فردی بر آن فرمان می‌راند.

طباطبایی معتقد است سعدی با انقلاب غزل که برخلاف فرم قصیده قالب مناسبی را برای حدیث نفس و بیان ذهنیت فردی فراهم کرد، بخش‌هایی از ناخودآگاه جمعی ایرانیان را در سیالیت ذهن آن‌ها جاری کرد و غزل را ابزاری برای شرح سوانح آن قرار داد. به باور او انقلاب غزل زمینه‌تکوین نوعی از آگاهی را در ادب فارسی فراهم کرده بود که مهم‌ترین پیامد آن رهایی از مناسبات قدرت در شرایطی بود که قدرت، به واقعیتی غیرقابل تحمل و بیگانه از مردم

تبدیل شده بود. طباطبایی معتقد است جایگاه ادب فارسی در حیات معنوی ایرانیان و سرشت آن، زمانی به درستی قابل توضیح خواهد بود که بتوانیم دگرگونی‌هایی را که به دنبال این انقلاب غزل ایجاد شد، دریابیم. بدیهی است ذهنیت سیالی که در غزل سعدی پدیدار می‌شود، نسبتی با «می‌اندیشم» دکارت ندارد، اما درعین حال وجهی از نوعی مفهوم، یا دست‌کم تصور مقدماتی، سوژه دکارتی را می‌توان در آن پیدا کرد. همچنین طباطبایی بر این باور است که تلقی سعدی از مناسبات و گروه‌های اجتماعی با دیدگاه اومانیزستی سعدی سازگاری کامل دارد و بیانگر مواضع اعتدالی و غیرطبقاتی سعدی است.

در نتیجه، اصل در سیاست‌نامه‌نویسی و اخلاق‌نویسی سعدی نظریه اومانیزستی او است که ناظر بر دیدگاه مبتنی بر تساهل و اعتدال و دفاع از زیردستان و نیز نقد قدرت سیاسی است. آنچه در کار طباطبائی برای پژوهش حاضر اهمیت دوچندان دارد، رگه‌های اومانیزستی و تکوین اولیه سوژه فردی است که در ادامه در کارهای عباس میلانی آن را بیشتر شرح می‌دهیم. چارچوب نظری پژوهش حاضر، امنیت انسانی، نیز بر همین انسان‌گرایی‌ای مبتنی است که پژوهشگرانی چون طباطبائی و میلانی خاستگاه آن را به اندیشه‌های سعدی ارجاع می‌دهند.

عباس میلانی (۱۳۹۸) در کتاب «انسان‌گرایی در سعدی» به وجوه انسان‌شناسی اندیشه سعدی می‌پردازد. میلانی در این کتاب سعدی را یکی از پیشگامان اندیشه تجدد در جهان و ایران می‌داند و بر این باور است که خاستگاه تجدد را، پیش از رخداد آن در غرب، می‌توان در آثار و افکار سعدی ردیابی کرد. به باور میلانی، سعدی نطفه‌هایی از تجدد را پیش از آغاز دوران تجدد در غرب، در نوشته‌های خود بر جای گذاشته است. میلانی اندیشه‌های سیاسی سعدی را در کلیتش با انسان‌گرایی همسو می‌داند. فهم عرفی و این‌جهانی از سیاست، باور به توانایی عقل و خرد انسانی، قائل‌بودن به مشروعیت زمینی و مردمی حاکمان و زمامداران، امر سیاسی همچون قراردادی اجتماعی، نگاه انسانی و برابر به زن و درکی زمینی و انسانی به مقولاتی چون عشق و امر زیبا از جمله نمونه‌هایی است که میلانی با اتکای بر آن‌ها تبار انسان‌گرایی نهفته در آثار و اندیشه‌های سعدی را پی می‌جوید.

علیرضا ازغندی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اندیشه‌های سیاسی سعدی» ذیل پارادایم واقع‌گرایی و با استفاده از روش تحلیل محتوا به جنبه‌های مختلف اندیشه سیاسی سعدی پرداخته است. نویسنده بر این ایده پای می‌فشارد که «برای سعدی، غایت جامعه‌سیاسی رسیدن به زندگی نیک و سعادت‌مندانه است و چنین زندگی‌ای تنها در سایه مناسباتی امکان‌پذیر است که در آن عقلانیت، احسان، عدل، انصاف، اعتدال و میانه‌روی رعایت شود و

همچون ضابطه و فضیلتی اجتماعی پدیدار گردند». ازغندی سویه‌های اندیشه سیاسی تعبیه‌شده در آثار و نوشته‌های سعدی را ناحیه‌ای در قلمرو سنت اندرزنامه‌نویسی و سیاست‌نامه‌نویسی ایران شهری توصیف می‌کند که خود نوعی حکمت عملی است و بر این باور است که تمامی تلاش ادبی سعدی استخراج حکمت عملی از مناسبات اجتماعی حاکم بر واقعیت زندگی و نهادمند کردن آن به جهت اصلاح ملک و ملت است. در ادامه پژوهش‌هایی موردتوجه قرار می‌گیرند که کم‌تر برای آثار سعدی وجه فکری و اندیشه‌ای متصور هستند.

علی دشتی (۱۳۸۱) در کتاب «در قلمرو سعدی» وجوه زبانی و اندیشگانی آثار سعدی را بررسی می‌کند. او آثار سعدی را از لحاظ فصاحت و بلاغت زبانی نمونه‌اعلای تاریخ ادبی ایران می‌داند و معتقد است کسی مانند او نتوانسته است صنعت و سادگی، استحکام و روانی و عذوبت و رقت را به هم آمیزد و موزون سخن گفته باشد. دشتی اما در ساحت تفکر و اندیشه، آثار سعدی را از لحاظ قدرت تفکر و استدلال ضعیف و از لحاظ انسجام و هماهنگی منطقی گاه متناقض ارزیابی می‌کند. او نوشته‌های سعدی را کشکول و جُنگی از مجموعه‌ای می‌داند که سعدی در طی چندین سال سیر و سیاحت دیده و شنیده است و فاقد انسجام و بی‌بهره از تفکر سیستمی ارزیابی می‌کند. به باور وی در نوشته‌های سعدی آن روش استواری را که تمام بخش‌های مختلف آن بر محور اندیشه‌ای دور بزند و نویسنده تمام اطلاع و زبردستی خود را برای قبولاندن آن فکر اساسی و اقناع خواننده به کار ببرد، یافت نمی‌شود و آن‌ها را صرفاً «تدوین محفوظات و مسموعات و مشاهدات سعدی» می‌داند.

همایون کاتوزیان (۱۳۸۵) در کتاب «سعدی؛ شاعر عشق و زندگی»، سعدی را شاعری می‌داند که درباره وجوه گوناگون زندگی از جمله سیاست، عقاید و نظریاتی دارد. او معتقد است هیچ‌کدام از شاعران ایران، همچون فیلسوفان و متفکران، دستگاه نظری مدون، دقیق و شسته‌ورفته ندارند. کاتوزیان حتی اطلاق عنوان حکمت عملی به مجموعه اندیشه‌ها و عقاید سعدی را تا اندازه زیادی نامناسب می‌داند و بر این باور است که گفتگوهای سعدی درباره حکومت و سیاست مرتب و منظم نیست و یک سیستم نظری منسجم درباره حکومت عرضه نمی‌کند. کاتوزیان دلیل این امر را حکومت استبدادی می‌داند که سیستماتیک نیست و امکان تفکر سیستمی را نیز منتفی می‌کند. در نتیجه آنچه در آثار قدیم ادب فارسی درباره سیاست و حکومت وجود دارد، نصیحت کردن یا مشورت‌دادن به پادشاهان و حاکمان مستبد برای استقرار حکومت خوب است. حکومت خوب نیز حکومت عادلانه‌ای است که یا بتواند ثبات و امنیت را برقرار کند یا حکومتی است که از ترس خدا و روز جزا تجاوز به جان و مال مردم نمی‌کند و

«حفظ رعیت نگه می‌دارد». کاتوزیان معتقد است نوشته‌های سعدی از نوع دوم‌اند؛ یعنی تأکید بر مروت و انصاف نسبت به رعیت.

در کنار این دو دسته، پژوهش‌هایی دیگری نیز با روش‌شناسی و چشم‌اندازهای نظری متفاوتی در باب اندیشه‌های سیاسی سعدی صورت گرفت. این دسته از پژوهش‌ها بیشتر بر روش‌شناسی‌های جدید علوم انسانی مبتنی هستند. به‌طور مثال روح‌الله اسلامی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «سازه‌های معناگرا در حکومت‌مندی بوستان سعدی» به روشی کیفی سازه‌های معنایی شیوه حکومت‌مندی را در بوستان سعدی بحث کرده است. به باور او برخلاف سنت اندرزنامه‌نویسی سنتی که موضوع آن‌ها کسب و حفظ قدرت و نصیحت حاکمان بود. اندرزنامه‌نویسی سعدی وجوه اعتدالی، مردمی و اخلاقی دارد. او معتقد است سعدی در آرمان‌شهر ترسیم‌شده در بوستان می‌خواهد از استبداد و افکار انتزاعی فارغ از عمل فاصله بگیرد و نظامی از سازه‌های معنایی مردمی و اخلاقی ترسیم کند، اما شرایط امکان چنین نمونه‌ای از حکومت‌مندی در ساختار سیاسی قبیله‌ای و استبدادی فراهم نبود. مورد دیگر پژوهش زهرا نورمحمدی شایسته و مهدی شریفیان (۱۳۹۵) که در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های حکمرانی خوب از نگاه سعدی» تلاش کرده است بر اساس شاخص‌های حکمرانی خوب آثار و نوشته‌های سعدی را ارزیابی کند.

همه پژوهش‌های فوق از جهت موضوع پژوهش حاضر البته وضعیت مشابهی دارند و هیچ‌کدام به‌طور مستقیم به دلالت‌های امر امنیتی در آثار و نوشته‌های سعدی اشاره نکردند. باوجوداین، پژوهش‌های گروه نخست ارتباط نزدیک‌تری به مسئله ما برقرار می‌کنند. از این جهت که نوعی انسان‌شناسی متفاوت را در آثار سعدی پی می‌گیرند که مبنای پیش‌فرض نظری پژوهش حاضر را شکل می‌دهند. در ادامه و مبتنی بر همین نوع انسان‌شناسی پرداخته‌شده در آثار دسته نخست که رگه‌های اومانیستی و انسان‌گرایی تعبیه‌شده در آثار و نوشته‌های سعدی را تدوین کردند، چشم‌انداز نظری پژوهش حاضر را صورت‌بندی می‌کنیم.

ج) چشم‌انداز نظری: امنیت انسانی

قبل از شروع مباحث نظری، ضرورت دارد به‌طور مختصر به موضوعی اشاره شود که یکی از کانون‌های مباحث نظری درباره آرا و آثار سعدی است؛ مباحثه‌ای که بر دوگانه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی متمرکز است. ناظر بر این دوگانگی، بعضی پژوهشگران اندیشه سیاسی سعدی را

آرمان‌گرایانه ارزیابی می‌کنند و گروهی دیگر بر واقع‌گرایی اندیشه سیاسی سعدی ارجاع می‌دهند؛ چنانچه یوسفی در مقدمه خود بر تصحیح گلستان و بوستان بر این نظر است که سعدی «مدینه فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده است» و در گلستان می‌خواسته «انسان و دنیا را آن‌چنان که هست، توصیف کند» (یوسفی، ۱۳۸۱). علیرضا ازغندی بوستان و گلستان سعدی را ناحیه‌ای در قلمرو سنت اندرزنامه‌نویسی و سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی‌شهری توصیف می‌کند که خود نوعی حکمت عملی است و بر این باور است که تمامی تلاش ادبی سعدی استخراج حکمت عملی از مناسبات اجتماعی حاکم بر واقعیت زندگی و نهادمندکردن آن به جهت اصلاح ملک و ملت است (ازغندی، ۱۳۹۱).

چشم‌انداز نظری پژوهش حاضر کانون بحث خود را ورای دوگانه فوق قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر و با بهره‌گیری از جستار روش‌شناختی توماس اسپرینگز برای فهم و شناخت اندیشه‌های سیاسی، هر دستگاه فکری ترکیبی از رئالیسم و آرمان‌گرایی است. نظام‌های اندیشگانی به‌مثابه سازه‌ای هستند که شالوده و نقطه آغاز آن‌ها واقع‌گرایی و شناخت وضعیت موجود هست. در ادامه هر نظام اندیشگانی برای درانداختن طرحی نو، وضعیت مطلوبی را توصیف می‌کند که می‌توان از آن تحت عنوان «دقیقه هنجاری» هر دستگاه فکری نام برد؛ آرمان‌شهر یا وضعیت مطلوبی که از جنس ایده است و دستگاه‌های فکری میل به دستیابی به آن را درون خود تعبیه می‌کنند (Spragens, 2009).

فکر سیاسی سعدی که در آثار و نوشته‌هایی همچون گلستان و بوستان تقریر شده، از این اصل روش‌شناختی مستثنا نیست. در ادامه تلاش می‌شود تا ضمن اشاره به مباحث نظری مفهوم امنیت، چشم‌انداز نظری‌ای را توضیح دهیم که از قابلیت بالایی در توضیح و فهم دلالت‌های امر امنیتی در کتاب بوستان سعدی برخوردار است. برای این منظور چارچوب مفهومی «امنیت انسانی» گزینش شد که در ادامه ضمن توضیح و تعریف مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن، تلاش می‌شود توجه به کارگیری آن برای خوانش آثار ادبی کلاسیک همچون بوستان سعدی و امکان‌های آن برای پدیدار کردن دلالت‌های امر امنیتی توضیح داده شود.

مفهوم امنیت انسانی بر این ایده استوار است که مردم باید در زندگی روزمره خود امنیت خاطر داشته باشند. تأکید بر محوریت انسان در حوزه امنیت، نیروی محرکه سنت فلسفه سیاسی و به‌طور خاص لیبرالیسم است که مردم و فرد را در کانون توجه خود می‌نشاند و شرایط ضروری چون آزادی و برابری را برای ایمنی مردم پیشنهاد می‌کند. رویکرد انسانی به مفهوم امنیت در تقابل با امنیت دولت‌محور یا امنیت نظامی پدیدار شد و غالباً امنیت مردم را

در مرکز و کانون نقد خود از امنیت دولت محور قرار می‌دهد. امنیت انسانی دیدگاه سنتی دولت محور را که معتقد است دولت باید هدف اصلی یا مرجع اصلی امنیت باشد، به چالش می‌کشد. به باور نظریه پردازان این رویکرد، امنیت انسانی هدف است و امنیت دولت محور ابزار تحقق و تأمین این هدف (Kerr, 2007).

مفهوم امنیت انسانی بر یک مفروضه فرانظری خاص در حوزه انسان‌شناسی استوار است. به این معنی که برخلاف تفکرات کلاسیک که قائل به نظامی سلسله‌مراتبی بودند و انسان به‌عنوان جزئی از مراتب هستی مرتب ثانویه پیدا می‌کرد، در این نوع انسان‌شناسی جدید که با فلسفه اومانیسم اهمیت پیدا کرد، فرد انسانی در کانون هستی قرار گرفت و جهان به اعتبار انسان معنای خود را پیدا کرد. تفکری که به لحاظ تاریخی ریشه در رنسانس و عصر روشنگری داشت. ناظر بر این نوع انسان‌شناسی، فرد انسانی و مسائل و دغدغه‌های او بر هرگونه نظم پیشینی تقدم هستی‌شناسانه پیدا کرد و تأمین امنیت انسان به غایت اصلی هرگونه نظام سیاسی تبدیل شد. در این تلقی، نظام سیاسی فاقد مشروعیت پیشینی و الهیاتی تلقی شد و رضایت و خواست مردم به‌عنوان منبع و مرجع مشروعیت نظام سیاسی اعتبار پیدا کرد.

مفهوم امنیت انسانی نیز محصول چنین تحول معرفتی در تاریخ فلسفه سیاسی بود. مفهوم امنیت انسانی به‌طور واضح در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سیاست‌گذارانه سازمان ملل متحد در اواسط دهه ۱۹۹۰، به‌ویژه گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ ریشه دارد. در این سند سیاست‌گذاری امنیت انسانی همچون وضعیتی تعریف شد که در آن افراد از قیدوبندها و فشارهای روحی و روانی که مانع رشد انسان می‌شوند، آزاد و رها شوند (Human development report, 1994).

همچنین امنیت انسانی از زمان برجسته‌شدن گفتمان توسعه جهانی در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل سال ۱۹۹۴ نقش پررنگی در ادبیات روابط بین‌الملل پیدا کرده است. در این گزارش که با عنوان «ابعاد جدید امنیت انسانی: تأکید بر امنیت فرد به‌جای دولت‌ها» توسط برنامه توسعه سازمان ملل تهیه شد، مفهوم امنیت انسانی برای اولین بار مطرح شد و به معنای آزادی از ترس توصیف شد. اینکه انسان‌ها در جامعه خود چگونه زندگی می‌کنند تا چه حد قدرت انتخاب دارند و دسترسی آن‌ها به بازار و خدمات اجتماعی تا چه حد است. طبق این گزارش ابعاد مختلف امنیت انسانی عبارت‌اند از: امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت سلامتی، امنیت محیط‌زیستی، امنیت شخصی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی (Human Development Report, 1994).

در ادامه این گزارش، در گزارش سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل با عنوان «جهان عاری از نیاز و عاری از ترس» که توسط دبیر کل وقت سازمان ملل ارائه شد، معنای مفهوم امنیت انسانی تحول پیدا کرد و به معنای رهایی از نیاز (شرایطی که امکان حفاظت از نیازهای اساسی و کیفیت زندگی و معیشت و رفاه انسان را فراهم کند)، رهایی از ترس (شرایطی که به افراد و گروه‌ها اجازه می‌دهد از تهدیدات مستقیمی که امنیت فیزیکی آن‌ها را به خطر می‌اندازد، رها باشند) و احترام به کرامت انسانی (شرایطی که افراد و گروه‌ها حقوق اساسی خود را، مانند حق انتخاب و استفاده از فرصت‌ها در زندگی روزمره، حفظ می‌کنند) توصیف شد (Reports Of The Secretary General On Human Security, 2000).

نکته قابل تأمل این است که در هر دو گزارش سازمان ملل بر امنیت افراد به‌جای امنیت دولت‌ها تأکید شد و افراد به‌عنوان مهم‌ترین مراجع امنیت قلمداد شدند. در این رویکرد اگرچه دولت دارای حاکمیت در کنار نهادهای بین‌المللی و بازیگران غیردولتی مهم‌ترین کارگزار ایجاد امنیت انسانی است، مرجعیت امر امنیتی، مردم و افراد هستند و دولت نیز ابزار و کارگزار تأمین امنیت مردم است. تمایز امنیت دولت‌محور و امنیت انسانی را می‌توان به‌صورت زیر ترسیم کرد:

جدول شماره ۱: تمایز میان امنیت دولت‌محور و امنیت انسانی

محور تمایز	امنیت دولت‌محور	امنیت انسانی
مرجع امنیت	دولت	افراد
هدف امنیت	تمامیت ارضی و استقلال ملی	آزادی افراد
تهدیدهای امنیتی	تهدیدات نظامی مستقیم سایر دولت‌ها	تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم خود دولت‌ها و بازیگران غیردولتی
وجوه امنیت	تک ساحتی	چند ساحتی

منبع: (رسولی ثانی‌آبادی و ستار، ۱۴۰۲)

همچنین اگر بخواهیم که تهدیداتی را که متوجه امنیت انسانی هستند، دسته‌بندی کنیم، می‌توان از تهدیدات فیزیکی یا طبیعی مثل بلایای طبیعی، تهدیدات بیولوژیک یا سیستم زندگی مثل بیماری‌ها و تهدیدات اجتماعی نام برد. تهدیدهای اجتماعی خود به انواع گوناگونی چون تهدیدهای اقتصادی، تهدیدهای سیاسی یا تهدیدهای اجتماعی قابل تقسیم هستند؛ مثل منازعات و ستیزهای بین‌گروهی، جنگ بین دولت‌ها یا فقر و ناامنی اقتصادی که به‌صورت

مستقیم یا غیرمستقیم و با تضعیف و ناکارآمد کردن دولت می‌توانند امنیت انسان‌ها را تهدید کنند.

چشم‌انداز نظری امنیت انسانی را می‌توان در بازخوانی و تفسیر آثار کلاسیک ادبیات فارسی، همچون کتاب گلستان به کار بست. از آنجاکه پژوهشگران مختلف سویه‌های اندیشه سیاسی چنین آثاری را ذیل عنوان سنت فکری اندرزنامه‌نویسی مفصل‌بندی می‌کنند و چنین سنتی نیز مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی و انسانی است که در قالب پند و اندرز بیان می‌شوند، برای خوانش و تفسیر دلالت‌های امر امنیتی در آثاری چون بوستان سعدی، چشم‌انداز نظری امنیت انسانی زاویه دید مناسبی به دست می‌دهد. نظریه امنیت انسانی بر این باور است که امنیت تنها به معنای حفظ مرزها و امنیت ملی نیست، بلکه شامل امنیت فردی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی نیز می‌شود. این نظریه بر رفاه، حقوق و حفظ کرامت انسان‌ها تأکید دارد.

سعدی در بوستان نیز امنیت را نه تنها به‌عنوان یک مفهوم فیزیکی، بلکه به‌عنوان یک ارزش اخلاقی و اجتماعی مطرح می‌کند. او بر امنیت روانی، اخلاقی و اجتماعی تأکید دارد و معتقد است که امنیت واقعی زمانی حاصل می‌شود که افراد در جامعه احساس آرامش و عدالت کنند. این دیدگاه با نظریه امنیت انسانی همخوانی دارد، زیرا هر دو بر ابعاد گسترده‌تر امنیت، از جمله امنیت فردی و اجتماعی، تأکید می‌کنند. در ادامه تلاش می‌شود مؤلفه‌های مفهوم امنیت انسانی در متن بوستان سعدی به کار گرفته شود و نیز به پرسش‌های بنیادین در خصوص امر امنیتی پاسخ داده شود.

د) دلالت‌های امر امنیتی در بوستان

مبتنی بر روش‌شناسی و چارچوب نظری بیان‌شده، اکنون می‌توان دلالت‌های امر امنیتی را در متن کتاب بوستان سعدی ردیابی کرد و سپس به پرسش‌های بنیادین پیرامون امر امنیتی از منظر اندیشه‌های سعدی در کتاب بوستان پاسخ داد. سعدی اگرچه به‌صراحت به مفهوم امنیت در بوستان نپرداخته، با این‌همه، آشکار است که امنیت به‌مثابه یکی از دغدغه‌های بنیادین زیست انسان‌ها همواره غایت نخستین امر سیاسی بوده و فلاسفه و اندیشمندان از دیرباز آن را در کانون دستگاه فکری - فلسفی خود تثویر کرده‌اند.

دیدگاه سعدی در کتاب بوستان درباره امنیت نیز تابعی از انسان‌شناسی سیاسی خاصی است که در آثار و نوشته‌های وی تعبیه شده است و باینکه سعدی قدرت سیاسی و

سامان‌مندی حکومت در ایران را شبانی، استبدادی و مطلقه می‌داند، در چرخشی زبانی در سنت اندرزنامه‌نویسی ایرانی و با نگاهی انسانی مشروعیت حکومت را با تمام ساختارها و سازه‌های شبانی ایران به مردم ارجاع می‌دهد و می‌گوید:

برو پاس درویش محتاج دار / که شاه از رعیت بود تاج‌دار. رعیت چو بیخند و سلطان درخت / درخت ای پسر باشد از بیخ سخت. مکن تا توانی دل خلق ریش / و گر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش. رعیت را نباید به بیداد کشت. که مر سلطنت را پناه است و پشت (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱). در چنین نگاهی حکومت نتیجه خواست و رضایت مردم است و امنیت یا فقدان آن نیز پیامد شیوه زمامداری حکمرانان است.

به همین دلیل است که سعدی فارغ از قیدوبندهایی چون نژاد و مذهب، اعتباری جهانی دارد و او را انسانی به معنای کامل کلمه و شاعر انسانیت خوانده‌اند.^۱ مبتنی بر این نوع انسان‌شناسی سیاسی می‌توان استدلال کرد که در نگاه سعدی امنیت پیامد و محصول شیوه زمامداری حکمرانان است. حکمرانانی که زمامداری خود را مدیون مردم هستند و قدرت آن‌ها ابزاری است که مرجعیت آن به مردم برمی‌گردد. در نتیجه همین قدرت باید در خدمت تأمین امنیت و آسایش و آرامش مردم به کار گرفته شود. جدول زیر که از تحلیل مضامین باب نخست کتاب بوستان استخراج شده است، مقولات و دلالت‌های امر امنیتی را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ن. ک: دکتر محمد موسی هندوای. سعدی شیرازی شاعر الانسانیه، قاهره، ۱۹۵۱، ص ۲۷۳.

جدول ۲. تحلیل مضمون باب نخست بوستان سعدی

مقوله کانونی و مرکزی	مقولات و شبکه مفاهیم	کدهای استخراج شده درباره دلالت‌های امر امنیتی در بوستان
شیوه زمامداری مطلوب جامعه امن	مردم‌داری	- مشروعیت مردمی پادشاه - عدل و انصاف در برخورد با زیردستان - شفقت با مردم و رعایت حال دردمندان - رعایت حقوق افراد و حفظ کرامت آن‌ها - تأمین امنیت عامه - تأمین رفاه رعیت - تماس داشتن با مردم
	رواداری و پرهیز از استبداد و خودرأیی	- پرهیز از ظلم و استبداد - روانداشتن خشونت - نرمی و تواضع در برخورد با مردم - پرهیز از درشت‌گوی
	کیفر برهم‌زندگان امنیت و آسایش جامعه	- کیفر دادن ظالم و دزد و خیانتکار - تشویق و تأمین سپاهیان و لشکریان - برخورد با پدیده‌های امنیت‌زدا
	خردروزی و بهره‌گیری از دانش و تجربه	- سودجستن از رأی و تجربه پیران و نیروی جوانان - شناختن کهتران و تماس داشتن با مردم - به‌کارگیری خردمندان و دانایان - پایبندی به سنت و رسوم
	شایسته‌سالاری	- جذب نخبگان و توانمندان - سپردن کار به کاردان - گماشتن نگهبان برای کارگزاران حکومتی
	ارائه تصویری مثبت به جهان	- حفظ حرمت غریبان، تاجران و جهانگردان و کارکرد وجهه‌ای آن‌ها برای مملکت - رعایت حال بازرگانان - تلاش برای جذب نخبگان و غریبه‌ها
	رعایت حال اصناف و طبقات جامعه	- نشنیدن سخن صاحب غرضان در حق درستکاران - حفظ احترام پاسداران و سپاهیان - توجه به اهل شمشیر و قلم - نواختن سپاهیان و آسوده‌داشتن آنان

مقوله کانونی و مرکزی	مقولات و شبکه مفاهیم	کدهای استخراج شده درباره دلالت‌های امر امنیتی در بوستان
	رعایت اصول و دقایق انسانی و اخلاقی تدبیر در مواجهه با دشمن	- رعایت انصاف و عدل - کنار گذاشتن کبر و خودبزرگ‌بینی - گذشت و بخشش - اعتدال و میانه‌روی - حق رعیت را ضایع نکردن - حقیرنشمردن دشمن خُرد - تدبیر و مدارا با دشمن - هشیاری و بیداری در صلح و جنگ - فرستادن دلیران به میدان رزم - زنده‌راندن دشمن پناهنده - مردم شهرهای تسخیر شده را نیاززدن - مدارا با بیگانه‌گان و حتی دشمنان - اعتماد نکردن بر سپاهیان عاصی خصم - درنگ کردن در کشتن اسیران جنگ

همان‌طور که مشاهده می‌شود، جامعه امن پیامد شیوه حکمرانی زمامداران است که همان جامعه استوار بر عدالت و دادورزی است. جامعه امن زمانی تحقق پیدا می‌کند که زمامداران برخوردار از قدرت سیاسی شبکه‌ای از مفاهیم و مقولات را در شیوه حکمرانی خود به کار گیرند. زمامدار و حاکم باید بداند که قدرت او به اعتبار مردم است و باید آن را در جهت برقراری جامعه امن و عادلانه به کار گیرد. او باید رعایت حال طبقات مختلف اجتماعی را بکند و هر کدام را بر اساس جایگاه اجتماعی و نقشی که در جامعه دارند، بنوازد. از رأی و مشورت پیران و نیروی جوانان بهره گیرد. اهل شمشیر و قلم را ارج نهد. از دانش و تجربه و خرد بهره گیرد. دانایان و شایستگان را به کار گیرد. در برخورد با خصم و دشمن خارجی هوشمندی و تدبیر به خرج دهد. برهم‌زنندگان امنیت و آسایش مردم را کیفر دهد و از گذر نواختن غریبان و تاجران و بازرگانان در اندیشه تصویر مثبت مملکت در بین جهانیان باشد. جامعه امن پیامد چنین شیوه زمامداری مطلوب و مبتنی بر اصل عدالت است.

سعدی البته تأمین امنیت و آسایش مردم را تنها غایت حکومت و امر سیاسی قلمداد نمی‌کند. در این باره دو رویکرد وجود دارد: گروهی که غایت حکومت را رفاه اقتصادی و امنیت مردم قلمداد می‌کنند و می‌گویند غایت حکومت به مقتضیات مصلحت عامه و امنیت جمعی

برمی‌گردد. گروهی دیگر نیز تحقق عدالت، آزادی، احکام الهی، اخلاق و نیازهای روحی بشر را غایت حکومت قلمداد می‌کنند. غایت سیاسی در بوستان سعدی در میانه این دو رویکرد قرار می‌گیرد. سعدی به سازه‌های جمعی‌ای اشاره می‌کند که نتیجه کارآمدی حکومت و اقناع مردم است (اسلامی، ۱۳۸۹).

همچنین سعدی در بوستان از سازه‌های معنایی مختلفی استفاده می‌کند تا این مهم را به پادشاه و حکمران گوشزد کند که زمامداری او باید به آسایش و امنیت مردم هم منتهی شود، در غیر این صورت قدرت او هیچ اعتباری ندارد و برای او احترام و نیک‌نامی در پی نخواهد داشت.

در نبود سازوکارهای نهادی برای محدود و مشروط کردن قدرت سیاسی، سعدی مبتنی بر جهان‌بینی ایران باستان و اسلام از چندین سازه معنایی بهره می‌گیرد تا به حاکمان رسالت واقعی آن‌ها را که همان تأمین امنیت و آسایش مردم و استقرار جامعه استوار بر عدل است، یادآور شود؛ دوگانه «نیک‌نامی و بدنامی»، «مرگ و ناپایداری زندگی انسان» و «قواعد طبیعی زندگی» از جمله این سازه‌های معنایی است. او به پادشاه می‌گوید نباید دل خلق را ریش کنی. پادشاه همچون پدر یا چوپانی است که باید گله‌اش را پاس دارد تا بوی آسودگی از کشور بلند شود. همچنین انداز می‌دهد که: «فراخی در آن مرز و کشور مخواه/ که دل تنگ بینی رعیت ز شاه» و به پادشاه یادآور می‌شود که: دگر کشور آباد بینی خراب / که دارد دل اهل کشور خراب. دل دوستان جمع بهتر که گنج / خزینه تهی به که مردم به رنج (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

سعدی نام نیک پادشاهان و زمامداران را در گرو تلاش‌ها آن‌ها برای جامعه امن و عادلانه می‌داند و زمامداری که آسایش و امنیت رعیت را سلب و دل آن‌ها را ریش کند، بدنام می‌شود. او برای کسانی که صلح و امنیت مردم را به خطر بیندازند، به قوانین طبیعی نیز اشاره می‌کند که همیشه به صورت نظم عادلانه روزگار ظالم و مردم‌آزار را تباه می‌کنند. زندگی کوتاه و گذرای این جهانی واجد چنان اهمیتی نیست که زمامداران به خاطر کسب و حفظ قدرت، بر رعیت ستم روا دارند و بدنامی از خود در تاریخ به جای بگذارند (اسلامی، ۱۳۸۹).

در نگاه سعدی امنیت موقتی و فقط برای یک دوران خاص یا تعلق به سلطان مشخص نبود و در منظومه‌های خود به خصوص در بوستان، سلطان و حاکم وقت را به ایجاد امنیت مستمر و همه‌گیر دعوت می‌کند. درواقع، امنیت موردنظر سعدی امنیت پایدار است که می‌تواند به تقویت بین اعتماد شخصی و اعتماد عمومی و سیاسی کمک کند.

در پایان می‌توان گفت گام نخست تعیین‌یابی مفهوم امنیت از خلال پاسخ به پرسش‌های بنیادین پیرامون امر امنیتی ممکن می‌شود و هر نظریه از امنیت ناگزیر است به این پرسش‌ها پاسخ دهد: نخست اینکه امنیت چیست و معنا و مفهوم آن کدام است؟ دوم اینکه امنیت چه چیزی یا چه کسی باید تضمین شود؟ و درنهایت چه کسی مسئول تأمین امنیت است و با چه روش‌هایی؟ (نصری، ۱۳۹۲).

۱. امنیت چیست و معنا و مفهوم آن کدام است؟

با تفسیری موسع از متن بوستان سعدی، می‌توان چنین استدلال کرد که مفهوم امنیت در نگاه سعدی مفهومی جامع و چندبعدی است که به همه مؤلفه‌های امنیت انسانی نظر دارد. سعدی به حفظ امنیت جسمانی و فیزیکی انسان تأکید می‌کند. او به خطرات جسمانی مانند بیماری، جنگ و خطرات طبیعی اشاره می‌کند. سعدی به مراقبت از سلامت جسمانی، پیشگیری از بیماری‌ها و حفاظت از افراد در برابر خطرات جسمانی و تأمین انواع امنیت اجتماعی، همچون امنیت سیاسی و اقتصادی می‌پردازد. سعدی معتقد است که تضمین امنیت افراد در جامعه تنها در صورتی امکان‌پذیر است که منشأ و صاحب قدرت سیاسی، به حفظ و حراست از حقوق افراد جامعه توجه نموده و بدان عمل نماید.

او معتقد است که امنیت اجتماعی و آرامش در جامعه به حفظ عدالت و رعایت قوانین اجتماعی بستگی دارد. سعدی از استبداد، ستم و ناسازگاری‌های اجتماعی نهی می‌کند و به همبستگی اجتماعی و همدلی بین افراد اشاره می‌کند. «بنی‌آدم/ اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند. چو عضوی به درد آورد/ روزگار دگر عضوها را نماند قرار».

امنیت روحی و معنوی: سعدی به اهمیت امنیت روحی و معنوی انسان نیز توجه می‌کند. او معتقد است که امنیت واقعی در تسلیم به خداوند و پیروی از ارزش‌های اخلاقی و دینی قرار دارد. سعدی به اهمیت توازن درونی، صلح داخلی و خشنودی در برابر تناقضات و ناامنی‌های ذهنی اشاره از مهم‌ترین شاخص‌های توفیق در هر نظام سیاسی، تأمین امنیت مردم و کشور است،

او همچنین امور نظامی و لشکری را از مسئولیت‌های مهم و حساس توصیف می‌کند، زیرا که تمامی مسائل و زیرساخت‌های اقتصادی هر مملکت به امنیت و عدم تهدید دشمن احتیاج دارد و در زمان جنگ و درگیری اولین بخشی که آسیب می‌بیند، بخش زیرساخت‌ها و مسائل اقتصادی است و سعدی هم به این مسائل آگاهی کامل دارد و در کتاب بوستان این موضوع را

متذکر شده است: «سپاهی که کارش نباشد به برگ/ چرا دل نهد روز هیجا به جنگ. نواحی ملک از کف بدسگال/ به لشکر نگه دار و لشکر به مال» (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

سعدی «تأمین اجتماعی» و «رفاه عمومی» را از لوازم اصلی تأمین امنیت به حساب می‌آورد، چراکه می‌داند بسیاری از شورش‌ها، قیام‌ها، راهزنی‌ها، ترورها و کشتارها عکس‌العمل طبیعی قشرهایی از جامعه در مقابل بی‌عدالتی‌ها، ظلم‌ها و تبعیض‌های حاکمیت است. بنابراین مضمون‌های کتاب بوستان دلالت صریحی بر امنیت یک گروه اجتماعی خاص یا امنیت طبقه حاکم ندارد، بلکه دلالت ضمنی دارند بر تأمین امنیت به‌عنوان ضرورت و شالوده تأسیس و شکل‌گیری هرگونه سامانه اجتماعی و سیاسی. «برو پاس درویش محتاج دار/ که شاه از رعیت بود تاج دار. رعیت چو بیخند و سلطان درخت/ درخت ای پسر از بیخ سخت» (سعدی شیرازی: ۱۳۸۱).

با تسامح نیز می‌توان گفت در نگاه سعدی امنیت پایه و بنیاد امر مدنی است و فقدان آن به آشوب و هرج‌ومرج و بی‌ثباتی منجر می‌شود. بی‌نظمی و آشوب در اینجا به معنی این است که سامانه اجتماعی و سیاسی از حالت تعادل و تناسب خارج شده و هیچ‌چیزی در جای مناسب خود قرار نگرفته است. بر این اساس امنیت در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد امنیت شامل «فرد و گروه‌های اجتماعی» و در سطح کلان امنیت شامل دولت و نهادهای فرافردی است و احساس امنیت عنصر اتصال‌دهنده اعضای جامعه به یکدیگر است. گسترش شعاع احساس امنیت، گسترش شعاع اعتماد و به عبارتی گسترش شعاع سرمایه اجتماعی است. اگر در تأمین امنیت و آسایش جامعه سودی باشد، تنها نصیب مردم نیست، بلکه حکومت بیش از مردم از آن بهره می‌برد. بنابراین سعدی از پادشاه می‌خواهد که دست‌کم، به خاطر خود، مال و جان، رعیت را پاس دارد. رعیت نشاید به بیداد کشت/ که مر سلطنت را پنهاند و پشت. مراعات دهقان کن/ از بهر خویش/ که مزدور خوش‌دل کند کار بیش (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

۲. امنیت چه چیزی یا چه کسی بایستی تأمین شود؟

این پرسش ناظر بر غایت و مرجعیت امنیت است. در هر نظریه امنیتی پاسخ به این پرسش منوط به مفروضات فرائظری چون هستی‌شناسی و انسان‌شناسی متفاوت خواهد بود. در متن آثار و نوشته‌های سعدی و به‌طور خاص متن بوستان، پاسخ به چنین پرسشی را می‌توان مترتب بر انسان‌شناسی خاص سعدی و به‌خصوص انسان‌شناسی سیاسی وی دانست. سعدی برای قدرت سیاسی مشروعیت مردمی قائل است و تنها پایه مشروعیت را رضایت و اقبال مردم

می‌دانست. اگر بپذیریم که مهم‌ترین رکن اندیشه انسان‌گرایی سیاسی نظریه «قرارداد اجتماعی» بود و قدرت سیاسی را نوعی قرارداد اجتماعی قلمداد کنیم که تنها ضامن مشروعیت آن «اراده عامه» است، آنگاه می‌بینیم باب اول بوستان نطفه‌هایی هرچند تکامل نیافته از نوعی مشروعیت مردمی قدرت پادشاهان و زمامداران را در بردارد. به باور سعدی تاج پادشاهی به اعتبار رعیت است و رعیت به سان ریشه و بیخ، درخت پادشاهی را اعتبار می‌بخشد.

مبتنی بر چنین نگرشی از خاستگاه مشروعیت قدرت سیاسی، می‌توان استدلال کرد که غایت و مرجعیت امنیت در بوستان سعدی، برخلاف نظریه‌های کلاسیک امنیت که بر امنیت دولت محور متمرکز هستند، عامه مردم است که سعدی تحت عنوان رعیت از آن‌ها یاد می‌کند. سعدی در بوستان، اگر دو ستون اصلی برای ساختمان حاکمیت قائل باشد، باید گفت که یکی «شهریار» است و دیگری «مردم»؛ او همواره اصالت را به مردم می‌دهد و صاحب‌منصبان، حتی شهریار را فرع بر وجود مردم می‌داند و به صراحت می‌گوید: «به حقیقت پادشاهان را این دولت و حرمت به وجود رعیت است که بی وجود رعیت پادشاهی ممکن نیست» (رسائل نشر).

در نگاه سعدی دادگری پادشاه باید به آن حد باشد که تمام زمین در سایه او، احساس امنیت کند همچو «خلق در شکم مادر» و این امر ممکن نیست مگر در حمایت صاحب‌دلان با یاری دست همت مردان و نیز با «سر بر آستانه حق» گذاشتن به هنگام شب و جهان‌داری عادلانه به هنگام روز. درواقع سعدی مانند منتسکیو صلح و امنیت را مهم می‌شمارد و از اصول اساسی زندگی انسان‌ها می‌داند. وی توسعه و آبادانی را در گرو صلح و امنیت تلقی می‌کند و برقراری امنیت را بر عهده حاکمیت می‌داند (عادل‌زاده، ۱۳۹۲).

۳. کارگزار و شیوه تأمین امنیت (چه کسی مسئول تأمین امنیت است و امنیت را چگونه می‌توان تأمین کرد)

بدون شک تأمین امنیت مردم به‌طور کامل تنها از حکومت برمی‌آید، چون از قدرت و توان کافی و لازم برای چنین کارکردی برخوردار است. در زمان سعدی پادشاه در کانون قدرت سیاسی بود و از قدرت مطلق و استبدادی برخوردار بود. سعدی معتقد بود قدرت پادشاه ابزاری است برای تأمین امنیت رعیت. سعدی در کتاب بوستان، وقتی «پادشاهان» را «پاسبان» می‌خواند، حدود وظایف آنان، خودبه‌خود به ذهن متبادر می‌شود، وظیفه پاسبان «تأمین امنیت» است. چنانچه در نظریه‌های لیبرالیسم کلاسیک از دولت به عنوان پاسبان و نگهبان یاد می‌کنند که کارکرد تأمین امنیت جامعه را بر عهده دارد. سعدی بر این باور است اگر شهریار

نتواند امنیت را به مردم هدیه کند، مانند پاسبان خفته‌ای است که بودنبودش فرقی ندارد (نورمحمدی شایسته و شریفیان، ۱۳۹۵).

سعدی خطاب به بوبکر بن سعد در ستایش «امنیت» ایجادشده برای مردم می‌گوید: «سکندر به دیوارِ روئین و سنگ، بکرد از جهان راه یاجوج تنگ. تو را سد یاجوج کفر زرت، نه روئین چو دیوارِ اسکندرست. زبان آوری کاندیرین امن و داد، سپاست نگوید، زبانش مباد» (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

شیوه تأمین امنیت نیز مشروط است به شیوه زمامداری و حکمرانی اربابان قدرت. در نزد سعدی حاکم مسئول است که برای ایجاد امنیت، عاملان و کارگزاری برای کشور انتخاب کند که درست کار، وظیفه‌شناس و خداپرست باشند: «خدا ترس باید امانت گزار - امین کز تو ترسد امینش مدار. امین باید از داور اندیشناک / نه از رفع دیوان و زجر و هلاک. بیفشان و بشمار و فارغ نشین - که از صد یکی را نبینی امین. دو هم جنس دیرینه را هم قلم / نباید فرستاد یک جا به هم. چه دانی که همدست گردند و یار / یکی دزد باشد، یکی پرده‌دار» (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

همچنین سعدی برای برقراری امنیت از حاکم می‌خواهد که به راحتی در دسترس مردم و رعیت باشد و آنان بتوانند بدون موانع با حاکم سخن بگویند (افتخاری، ۱۳۹۰): تو کی بشنوی ناله دادخواه / به کیوان برت کله‌ی خوابگاه؟ چنان حسب که آید فغانت به گوش / اگر دادخواهی برآرد خروش (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

بنابراین حکومت مسئولیت دارد، در جهت برقراری امنیت و آسایش همه مردم از امکانات برنامه‌ریزی کند. گاهی احساس امنیتی که سعدی به آن اشاره دارد، به سبب وجود حاکمی عادل و قدرتمند ایجاد شده است که در پناه امنیت او، همه در آرامش و آسودگی زندگی می‌کردند؛ چنانچه سعدی در بوستان زمامداری و ایام سعد بن بوبکر را به جهت برقراری امنیت و رعایت عدالت ستایش می‌کند (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

در این مقاله بر اساس چشم‌انداز نظری امنیت انسانی که خود مبتنی بر نوعی انسان‌شناسی سیاسی متفاوت است و انسان بماهو انسان و ارزش و کرامت او را در کانون توجه قرار می‌دهد و نیز امر سیاسی و حکومت را تابعی از رضایت و اقناع افراد جامعه قلمداد می‌کند، تلاش کردیم

تا دلالت‌های امنیتی و پاسخ به پرسش‌های بنیادین در باب امر امنیتی را در متن کتاب بوستان سعدی به روشی کیفی تحلیل و ارزیابی کنیم

همان‌طور که نشان داده شد در بوستان سعدی، امنیت به‌عنوان یک مفهوم چندبعدی مطرح می‌شود که خود میوه و محصول شیوه زمامداری حکمرانان است. حکمرانانی که اگر بر اساس تقدیر الهی و قوانین لایتغیر طبیعی و نیز سرشت گذرا و ناپایدار زندگی انسان و مبتنی بر اصولی چون عدل، انصاف، خرد، رواداری و مردم‌داری و رعایت مصلحت عامه و خیر عمومی قدرت خود را به کار بگیرند، می‌توانند امنیت و آسایش جامعه را تأمین کنند. سعدی معتقد است که بدون این عناصر، جامعه نمی‌تواند به امنیت و آرامش دست یابد.

از آنجاکه در دوران سعدی پادشاه از قدرت مطلقه، استبدادی و نامحدود برخوردار بود و سازوکارهای نهادی امروز برای محدود کردن اعمال قدرت حاکمان وجود نداشت، سعدی از سازه‌های معنایی چون تقدیرگرایی، قوانین لایتغیر طبیعت زندگی انسان و زوال‌پذیری هستی انسان بهره می‌گیرد تا به حاکمان گوشزد کند که قدرت سیاسی ابزاری است برای تأمین امنیت و آسودگی مردم و زیردستان. در این نگاه قدرت سیاسی دارای انحصاری شخص حاکم نیست که از طرف خداوند به او بخشیده شده باشد یا از طرف پدران به ارث رسیده باشد. قدرت سیاسی دارای مشترکی است که باید در خدمت خیر جمعی و مصلحت عامه به کار گرفته شود.

توجه به این تلقی از قدرت سیاسی و ارجاع مشروعیت حاکمان به رضایت و اقبال مردم که خود یکی از پایه‌های مدرنیته سیاسی است، در وضعیت امروز اهمیتی مضاعف دارد و می‌تواند نگرش به امر امنیتی را به شیوه‌ای متفاوت در کانون توجه قرار دهد. در عصری که دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه سیاست داخلی و بین‌المللی هستند و امنیت بیشتر به شکل دولت‌محوری و در چارچوب امنیت ملی تعریف می‌شود، مفهوم امنیت انسانی که می‌توان تبار و خاستگاه آن را در متون کلاسیکی چون بوستان سعدی ردیابی کرد، این امکان را فراهم می‌کند تا با جابه‌جایی در مرجعیت امر امنیتی و اعتباربخشی به قاعده هرم جامعه و مردمان عادی، تأمین امنیت، آسایش و رفاه آن‌ها در کانون سیاست‌گذاری‌های امنیتی قرار گیرد.

این‌گونه جابه‌جایی در مرجعیت و غایت قدرت سیاسی و ابتدای مشروعیت حاکمان بر رضایت و اقبال هرم جامعه و مردمان عادی، تأمین امنیت و آسایش شهروندان را در اولویت سیاست‌گذاری قرار می‌دهد؛ تأمین امنیت مردمان عادی که در متون کلاسیک اندرزنامه‌نویسی،

همچون بوستان سعدی، از آن‌ها به رعیت تعبیر می‌شد و بیخ و ریشه درخت حکمرانی قلمداد می‌شدند و امروز به‌عنوان شهروند پایه مشروعیت هرگونه نظم سیاسی را تشکیل می‌دهند.



تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازن اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۱). اندیشه‌های سیاسی سعدی. تهران: نشر هرمس.
- اسلامی، روح‌الله (۱۳۸۹). سازه‌های معناگرا در حکومت‌مندی بوستان سعدی. فصلنامه پژوهش سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۹، صص ۱۹۵-۱۷۳.
- افتخاری، سید عطاءالله (۱۳۹۰). مسئولیت متقابل مردم و حکومت در گلستان و بوستان سعدی. باب‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنائی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸، صص ۲۰۶-۱۸۳.
- دشتی، علی (۱۳۸۱). در قلمرو سعدی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۵). سعدی، شاعر عشق و زندگی. تهران: نشر مرکز.
- عادل‌زاده، پروانه (۱۳۹۲). بررسی آموزه‌های تعلیمی مفاهیم عدالت و تأمین اجتماعی از منظر سعدی شیرازی. باب‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنائی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۶، صص ۱۷۲-۱۵۱.
- میلانی، عباس (۱۳۸۷). تجدد و تجددستیزی در ایران. تهران: نشر اختران، ص ۷۷.
- میلانی، عباس و مریم میرزاده (۱۳۹۸). انسان‌گرایی در سعدی. تهران: نشر زمستان.
- طباطبائی، سید جواد (۱۳۹۵). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران؛ ملاحظات در مبانی نظری. تهران: انتشارات مینوی خرد.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۱). بوستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- رسولی ثانی آبادی، الهام و فاطمه ستار (۱۴۰۲). بررسی رابطه میان منازعات داخلی و شاخص‌های امنیت انسانی در سوریه. فصلنامه سیاست خارجی، سال سی‌وهفتم، شماره ۲، صص ۱۸۲-۱۵۵.

- نصری، قدیر (۱۳۹۱). درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نورمحمدی شایسته، زهرا و مهدی شریفیان (۱۳۹۵). مؤلفه‌های حکمرانی خوب از نگاه سعدی. کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات فارسی.
- Eco, Umberto (1990). *The limits of interpretation*. Bloomington.
- Jameson, Fredric (1982). *The political Unconscious: Narratives as a socially symbolic act*. Cornell university press.
- Jacobson, Roman (1971). "The dominant," in *Readings in Russian poetics*. Edited by Matejka Pomorska. Cambridge university press.
- Kerr, Paulin (2007) "Human Security", in: Alan Collins (ed.), *Contemporary Security Studies*, Oxford: Oxford University Press, pp. 91-108.
- NDP (United Nations Development Programmed), (1994), *Human Development*
- Spragens, Thomas A. (2009). *Understanding political theory*. I A Books; Reprinted Edition.
- Report, New Dimensions of Human Security, New York.
- UN Fund for Security, (2000), —Reports of the Secretary-General on Human Security, At: <https://www.un.org/humansecurity/reports-resolutions>.